

// پژوهش و مدیران مدرسه‌ها //

از «الف» تا «ی» درباره پژوهش امیدها و بیم‌ها

مرتضی مجدفر

اشاره

تاکنون در دو بخش پیشین این سلسله مطالب که در شماره‌های ۲ و ۳ به چاپ رسیده است، علاوه بر شناسایی ۸ دلیل نیازمندی مدیران مدارس به شناخت و کاربرد پژوهش و پژوهش‌گری، با دو پرده اصلی در پژوهش‌های مدرسه‌ای یا تقابل دو موضوع مهم آموزش پژوهش محور و پژوهش جدا از آموزش آشنا شده‌اید. مؤلف در این بخش ضمن بیان برخی مزایای پژوهش‌های مدرسه‌ای (دانش‌آموزی و معلمی)، تعدادی از آسیب‌های این حوزه را نیز مورد واکاوی قرار داده است.

کلیدواژه‌ها: پژوهش مدرسه‌ای، آموزش پژوهش محور، پژوهش دانش‌آموزی.



برخی از مدیران به دلیل این که پژوهش را امری تجملاتی، زاید، وقت گیر و هزینه بر می دانند، از وارد شدن به دنیای پژوهش به هر نحو ممکن، خودداری می کنند

برای آن‌ها جدی و یکی از مسئله‌های محوری زندگی خواهد بود. البته هر دو «امید»ی را که بیان کردیم، با اندک تغییراتی می‌توانیم درباره پژوهش‌های ساده همکاران مدرسه‌ای هم تعمیم بدهیم. بدیهی است پژوهش‌های مدرسه‌ای که توسط کارکنان اداری - آموزشی، معلمان و دانشجویانی که به انجای گوناگون به مدارس مراجعه می‌کنند، انجام می‌شوند، اگر در مسیر حل مسایل و مشکلات آموزشی - تربیتی معلمان و کلاس‌های درس قرار نگیرند، عملاً نمی‌توان آن‌ها را پژوهش حساب کرد.

● پژوهش‌های مدرسه‌ای و تجربه‌های زیسته دانش‌آموزان و معلمان

چند سال پیش با یکی از همکاران که از سردبیران مجلات رشد هستند، قصد کردیم در یک همایش علمی تعلیم و تربیتی که در یکی از کشورهای اروپایی برگزار می‌شود، شرکت کنیم. خلاصه مقاله خود را فرستادیم و منتظر اظهار نظر آن‌ها شدیم. پس از چندی پاسخی که به ما داده شد، این گونه بود: «اگر مقاله پژوهشی شما، متکی بر آمار و ارقام و یافته‌های کمی است، با کمال تأسف باید به اطلاع برسانیم این مقاله در همایش ما جایگاهی نخواهد داشت.» و بعد یادآور شده بودند که به مقاله‌هایی اهمیت می‌دهند که مؤلف یا مؤلفان آن‌ها، مثل یک راوی و داستان گو، تجربه‌های زیسته خود در یک زمینه مشخص را با تحدید کردن ابعاد ماجرا، به شکلی تفصیلی بیان کنند. اگرچه ممکن است حتی در وضعیت فعلی، عده‌ای این قبیل پژوهش‌های کیفی را در زمره داستان‌گویی قرار دهند، ولی می‌توان از آن‌ها درس‌هایی فرا گرفت که در پژوهش‌های دیگر وجود ندارد.

● پژوهش‌های مدرسه‌ای و آشنا شدن با واقعیات

یکی از ویژگی‌های پژوهش، آن است که فردی را که درگیر انجام تحقیق

می‌گنجد، قرار نگیرند، ولی به اندازه کافی مهم هستند. برای مثال توسعه مهارت‌های نوشتن از طریق پژوهش‌هایی که گزارش پایانی نوشتاری دارند و توسعه مهارت‌های خواندن و صحبت کردن از طریق تحقیق‌هایی که دانش‌آموز هنگام ارائه گزارش پایانی آن‌ها، نیازمند خواندن متون و صحبت کردن در جمع است، از جمله مهارت‌های اساسی است که از طریق پژوهش توسعه می‌یابد. علاوه بر این‌ها، توسعه نگرش‌ها، کنجکاوی، استقلال و همکاری هم از دیگر مهارت‌هایی است که دانش‌آموزان با انجام پژوهش‌های دانش‌آموزی می‌توانند به آن‌ها دست یابند.

● پژوهش دانش‌آموزی و مسئله محور کردن زندگی

اگر ما و همکارانمان در مدرسه، این توانمندی را داشته باشیم که مسئله بیان کنیم تا بچه‌ها پژوهش کنند یا با کمک خود آن‌ها، در مسایل جاری زندگی مدرسه‌ای و شخصی تفحص کنیم و با یافتن موضوع‌هایی، آن‌ها را به پژوهش در کلاس درس و مدرسه بکشانیم، قطعاً زمینه‌های بروز امیدواری در پژوهش‌های مدرسه‌ای را فراهم کرده‌ایم. عده‌ای این مقوله را با جملات ساده‌تری توضیح می‌دهند و می‌گویند: بیایید موضوعات پژوهشی دانش‌آموزان را از آسمان‌ها به زمین بیاوریم تا آن‌ها بدانند پژوهش به دنبال جواب دادن به مشکلات زندگی است. اگر این گونه عمل کنیم، پژوهش

«بیم‌ها و امیدها» از تیتزهای تکراری به کار رفته در مطبوعات است. معمولاً هر جا بخواهند از برجستگی‌ها و کاستی‌های یک موضوع، مزایا و محاسن و تنگناهای یک پدیده و یا دلایل فراز و فرود یک ماجرا سخن بگویند، از این تیتز استفاده می‌کنند. ولی من ترجیح داده‌ام، آن را به شکل «امیدها و بیم‌ها» به کار ببرم. اگرچه هارمونی خاصی در بیان این دو واژه ایجاد نمی‌شود، ولی چون معتقدم امیدهای موجود در پژوهش مدرسه‌ای، بیش از بیم‌های آن است، اول به امیدواری‌ها می‌پردازم.

امیدها

● پژوهش‌های دانش‌آموزی و توسعه مهارت‌های زندگی

همان‌طور که می‌دانیم، انجام پژوهش‌های ساده توسط دانش‌آموزان، آن‌ها را در موقعیت‌هایی قرار می‌دهد که بتوانند مهارت‌های زندگی را به‌طور عملی در کلاس درس و مدرسه فراگیرند و آن را در زندگی روزمره به کار ببرند. دانش‌آموزان در هنگام روی آوردن به پژوهش‌های مدرسه‌ای، علاوه بر مهارت حل مسئله، مهارت تصمیم‌گیری درست، مهارت طراحی هدف‌های واقع‌بینانه، مهارت تفکر انتقادی (تفکر خلاق) و مهارت برقراری ارتباطات انسانی، در زمینه برخی از مهارت‌های دیگر هم تمرین می‌کنند که اگرچه شاید در زمره مهارت‌های شناخته شده‌ای که در تعریف مهارت‌های زندگی

درست از زمانی که در آموزش و پرورش ما نمودارهای ستونی مرتب با درصد قبولی‌ها حاکمیت یافتند و نتیجه‌گرایی صرف جایگزین فعالیت‌های کیفی شد، پژوهش‌گری هم آسیب دید

«ارتقای کمی به هر قیمتی» شده است. در مدرسه یا مدرسه‌هایی که نتیجه‌گرایی صرف، با حاکمیت نمودارهای افت و رشد حرف اول را می‌زنند و پژوهش‌های معلمان در حین فرایند یاددهی - یادگیری و تلاش‌های ساده پژوهشی دانش‌آموزان، محلی از اعراب ندارد، پژوهش‌گری در مدرسه با آفتی جدی مواجه خواهد بود.

● پژوهش‌هراسی

یکی از نکاتی که در بخش بیم‌ها باید به آن اشاره کنیم، وجود پدیده‌ای به نام **پژوهش‌هراسی** در میان مدیران است. این مدیران، از هر آن‌چه که با پژوهش و پژوهش‌گری در ارتباط است، در هراسند. برای مثال، این افراد هم خود می‌ترسند که پژوهشی را انجام دهند و هم از این که معلمان و دانش‌آموزان مدرسه به پژوهش روی بیابورند، واهمه دارند. دلایل این ترس گوناگون است. ولی از مهم‌ترین دلایل می‌توان به آموزش‌های غلط در دوره‌های تحصیلی پیشین، شکست‌های احتمالی در پژوهش‌هایی که افراد عهده‌دار بوده‌اند و نیز ترس از موفق نشدن و یا حتی مورد تمسخر واقع شدن پژوهش‌هایی که توسط مدیر و عوامل مدرسه به انجام می‌رسد، اشاره کرد.

حتی همان‌طور که پیش از این گفتیم، برخی مدیران به دلیل این که پژوهش را امری تجملاتی، زاید، وقت‌گیر و هزینه‌بر می‌دانند، از ترس این که مبادا برایشان حرف و حدیثی درست شود و یا مورد



بر مبنای چنین تلقی نادرستی، برخی از مدیران هم فکر می‌کنند اگر در هنگام انجام یک کار و یا اتخاذ تصمیمی، از این و آن چند پرسش ساده کنند و به دو سه سایت مراجعه داشته باشند، کارشان مبتنی بر پژوهش خواهد بود.

● نتیجه‌گرایی صرف، آفت

جدی پژوهش‌گری در مدرسه درست از زمانی که در آموزش و پرورش ما نمودارهای ستونی مرتب با درصد قبولی‌ها حاکمیت یافتند و نتیجه‌گرایی صرف، جایگزین فعالیت‌های کیفی شد، پژوهش‌گری هم آسیب دید. وقتی می‌گوییم معلم، طراح آموزشی است و باید در تمامی مراحل آموزش و یادگیری، با انجام پژوهش‌های ساده تربیتی، به تحلیل نظام آموزشی و فعالیت‌های یاددهی - یادگیری خود روی آورد، در واقع بر پژوهش‌گر بودن او تأکید می‌کنیم، نه نتیجه‌گرا بودنش. ولی در سال‌های اخیر، ترسیم بدون پژوهش نمودارهای افت و رشد، چنان آسیبی به آموزش و پرورش ما وارد ساخته‌اند که همه چیز ما تحقق

می‌شود، با واقعیات آشنا می‌کند. این پژوهش‌ها، چه کارهای پژوهشی کلان آموزش‌کاران و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت و چه دست‌ورزی‌های پژوهشی دانش‌آموزی باشند، انجام‌دهندگان آن‌ها را با واقعیت‌ها آشنا می‌سازند. فرض کنید معلمی به تصور این که گستردگی و تنوع روش‌ها و راهبردهای یاددهی - یادگیری و فراوانی مراحل و گام‌های هر یک از آن‌ها، موجب سردرگمی معلمان می‌شود و به دلیل همین ویژگی‌ها، معلمان از روی آوردن به این روش‌ها خودداری می‌کنند؛ روش‌های نوین تدریس را به جای آن که عاملی در بهبود فرایند یاددهی - یادگیری و آموزش‌های مدرسه‌ای به شمار آورد، مانعی در این امر می‌داند. ولی اگر چنان‌چه همین معلم، شخصاً یا با راهنمایی فردی ورزیده، به تحقیق در زمینه اثربخشی روش‌های تدریس رو کند، با این واقعیت آشنا خواهد شد که یکی از مسیرهای تحول در یاددهی - یادگیری، آشنا شدن معلمان با گستره قابل توجهی از روش‌های یاددهی - یادگیری جدید و کاربرد آن‌ها در کلاس‌های درس است.

بیم‌ها

● توهم پژوهشی کار کردن یا پژوهش‌گر بودن

برخی از مدیران مدارس، به سبب آن که به یکی دو تارنمای مرتبط با تعلیم و تربیت مراجعه می‌کنند و یا به دلیل آن که در هنگام وقوع مسایل و مشکلات، به برخی کتاب‌ها و منابع آموزشی رجوع می‌کنند، تصورشان بر این است که دارند پژوهش می‌کنند و اگر آن‌ها را پژوهش‌گر بنامیم، پر بیراه نرفته و بیجا نگفته‌ایم. ولی باید در نظر داشت پژوهشی کار کردن و پژوهشگر بودن، اصولی دارد که لازم است حداقلی از آن توسط فردی به کار برده شود تا او را پژوهش‌گر بنامیم و فرایند کار مدیریتی در مدرسه او را مبتنی بر پژوهش. این توهم پژوهشی، اغلب از ساده‌انگاری پژوهش از سوی دست‌اندرکاران ارشد آموزش و پرورش ناشی می‌شود و درست

پژوهش‌هراسی می‌تواند مانع مهمی در توسعه فرهنگ پژوهش‌محوری در مدارس شود

تمسخرقرار گیرند، از وارد شدن به دنیای پژوهش به هر نحو ممکن، خودداری می‌کنند. این هم نوعی پژوهش‌هراسی است.

این پژوهش‌هراسی می‌تواند مانع مهمی در توسعه فرهنگ پژوهش‌محوری در مدارس شود.

باید دست‌اندرکاران نظام آموزشی، با شناخت مدیرانی که از روی آوردن به پژوهش خودداری می‌کنند و سپردن کارهای پژوهشی و یا شبه‌پژوهشی ساده به آنان که امکان موفقیت در انجام آن‌ها حتمی است، ترتیبی اتخاذ کنند که مدیران پژوهش‌هراس به تدریج به مدیران پژوهش‌مدار تبدیل شوند.

● پژوهش‌هراسی؛ از نوعی دیگر

عده دیگری از مدیران با پیش کشیدن مبحث تنگناها و کاستی‌های پژوهش مدرسه‌ای، به‌ویژه از نوع دانش‌آموزی، به وجود کنکور به عنوان یکی از موانع و آسیب‌های پژوهش در مدرسه اشاره می‌کنند و می‌گویند تا این معضل از میان برداشته نشود، کماکان انجام پژوهش‌های مدرسه‌ای توسط دانش‌آموزان با تنگنا و کاستی روبه‌رو خواهد شد. به اعتقاد این گروه، تا زمانی که کنکور و عبور از سد آن، امسال و آرزوی هر دانش‌آموزی است، هرگز نمی‌توان بچه‌ها را به انجام پژوهش‌های ساده دانش‌آموزی فرا خواند. پژوهش‌هراسی این دسته از مدیران، از معلول‌ها منتج می‌شود، نه از علت‌ها.

این‌ها می‌گویند پژوهش دانش‌آموزی را به دوره‌های ابتدایی و راهنمایی ببرید و اجازه بدهید دانش‌آموزان دوره متوسطه با مشکل اصلی خود یعنی غلبه بر کنکور، دست و پنجه نرم کنند. در پاسخ این دسته از پژوهش‌هراسان، باید به تجربه برخی از مدارس موفق در زمینه پژوهش‌های دانش‌آموزی اشاره کنیم.

در این مدارس، که اسامی بسیاری از آن‌ها به سبب پژوهش گسترده‌ای که راقم این سطور انجام داده، ثبت شده و محفوظ است، روی آوردن به سمت پژوهش‌های دانش‌آموزی، ابتدا و در مدتی کوتاه، باعث افت کمیت آموزشی (کاهش نمره‌ها و پایین آمدن میانگین‌های درسی) شده و نگرانی‌هایی را در کادر آموزشگاه پدید می‌آورد. این مسئله، باعث به‌وجود آمدن نوعی هراس در مسئولان مدارس می‌شود و دو راهبرد در پیش روی آنان قرار داده می‌شود:

الف) پژوهش‌های دانش‌آموزی تعطیل شود و بچه‌ها به کار اصلی خود (زدن تست، حفظ دروس و آماده شدن برای آزمون‌های متمرکز - در دبیرستان‌ها؛ کنکور - و...) مشغول شوند.

ب) پژوهش‌های دانش‌آموزی، به فعالیت اصلی بچه‌ها تبدیل شود و سعی گردد از پژوهش دانش‌آموزی، به عنوان ابزاری برای حل مسئله و قرار دادن دانش‌آموزان در مسیر اصلی دانش‌جویی و کنجکاوی استفاده شود.

گروه اول، به نگرانی خود از بابت کاهش نمرات اشاره می‌کنند و گروه دوم، معتقدند که کاهش نمرات موقتی است و افزایش کمی نمرات، همراه با ارتقای کیفیت آموزش، از دست‌آوردهای توجه به پژوهش‌های دانش‌آموزی خواهد بود.

در مدرسی که در موفق بودن شهره عام و خاص‌اند، اتفاق دیگری هم رخ داده است و آن مسئله‌محور کردن پژوهش‌های دانش‌آموزی و آوردن موضوعات پژوهش، از آسمان بی‌انتهای زمین مسطح و قابل تشخیص مدرسه است. به اعتقاد گروه دوم، موضوع پژوهش‌های دانش‌آموزی یا

باید به‌طور دقیق در مسیر دروس آموزشی دانش‌آموزان باشد، یا طوری تعیین شود که بتواند آنان را در فعالیت‌های مدرسه‌ای یاری رساند و حتی به برخی نگرانی‌های گروه اول خاتمه دهد. برای مثال، به جای آن‌که از دانش‌آموزان بخواهیم درباره چگونگی کارکرد راکتورهای اتمی (که در کتاب فیزیک آن‌ها هم هیچ اشاره کاملی به آن نشده است) تحقیق کنند، می‌توانیم از آن‌ها بخواهیم یا درباره یکی از موضوعات کتاب درسی مطالعات عمیق‌تر و بیشتری انجام دهند و یا به تحقیقی دست بزنند با این سوژه: چگونه می‌توانم در خواندن فیزیک موفق شوم؟ (یا چگونه می‌توانم تست‌های فیزیک را حل کنم؟).

پی‌نوشت

۱. به دو نکته تکمیلی در این ارتباط اشاره می‌شود: ● سال‌ها پیش که براساس تجربه‌های زیسته مدیریتی خودم، در مجله رشد مدیریت مدرسه، مطالعات موردی در مدیریت آموزشگاهی را می‌نوشتیم و بعدها این مطالب به صورت دو جلد کتاب مجزا به نام‌های «مدیریت آموزشگاهی در عمل» و «مدرسه و کیفیت‌گرایی» (هر دو از انتشارات مدرسه برهان) چاپ شد، یکی از مدیران ارشد وقت آموزش و پرورش مرا در خیابان دید و گفت: «داستان‌هایت را در رشد مدیریت مدرسه می‌خوانم. خیلی خوب داستان سرهم می‌کنی...» از اظهار نظر این مدیر شگفت‌زده شدم و با خود گفتم چگونه ممکن است مدیری در این حد، از تحقیق کیفی به شیوه مطالعه موردی مبتنی بر روایت‌گویی خبر نداشته باشد؟ و البته من کماکان به داستان‌نویسی‌ام ادامه دادم.

● در شماره‌های ۲، ۴، ۶ و ۸ سال تحصیلی جاری (۹۱ - ۹۰) مجله رشد آموزش ابتدایی، **خاطرات یک معلم عشایری از پشت کوه استان** را خوانده و خواهید خواند. این آموزگار که دانشجوی کارشناسی ارشد تحقیقات آموزشی است، خاطرات خود را به توصیه استادش دکتر محمد عطاران، به شیوه روایی و براساس تجربه‌های زیسته در چند صد صفحه تدوین کرده است که مجله مذکور شمه‌ای از آن را در ۴ شماره مذکور به چاپ رسانده است.

۲. مجدفر، مرتضی (۱۳۹۰). **در جست‌وجوی مدرسه‌های موفق و با کیفیت؛ شاخص‌ها و ویژگی‌ها (پژوهش کیفی از طریق مستندسازی مؤلفه‌ها و مصادیق مدرسه‌های اسلامی موفق)**. پژوهشکده برنامه‌ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی (به سفارش همایش ملی رویکرد اسلامی در مدیریت آموزشی).